

هر آن‌کس که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست

غدیر خم نام ناحیه‌ای میان مکه و مدینه است که پیامبر اسلام در حجة الوداع، علی را «ولی» پس از خود اعلام کرد. ۱۸ ذی‌الحجه، سالروز این واقعه میان شیعیان به عید غدیر خم شهرت دارد.

محمد، پیامبر اسلام در بازگشت از آخرین حج خود همه مسلمانانی که در حج شرکت داشتند را در غدیر خم جمع کرد و شیعیان معتقدند که او در آنجا علی بن ابیطالب را به‌عنوان وصی و برادر و جانشین خود از جانب الله معرفی کرد. عبارت معروف «هر آن‌کس که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست» قسمتی از خطابه بلند غدیر می‌باشد. گرچه در تفسیر حدیث غدیر خم در بین شیعه و سنی اختلاف وجود دارد. اهل سنت تنها اظهار نزدیکی پیامبر به علی و دوستی با او را می‌دانند و اظهار خواسته اش که علی به عنوان پسر عمو و فرزند خوانده اش جانشین او در مسئولیت‌های خانوادگی اش پس از مرگ شود.

این واقعه و حدیث غدیر در کتاب‌های شیعه و بسیاری کتاب‌های اهل سنت نقل شده است. اولین منبع تاریخی که به این کتاب اشاره می‌کند یعقوبی مورخ شیعه در نیمه دوم قرن سوم هجری است و اولین آثار ادبی قابل تاریخ‌گذاری، مجموعه اشعاری از نویسندگان شیعه در قرن دوم هجری است. از حدود قرن دوم هجری واقعه غدیر خم بعنوان دلیل نویسندگان شیعه برای اثبات برحق‌ی علی بر جانشینی محمد آمده است.

جغرافیای غدیر خم

«غدیر خم» نام ناحیه‌ای در میان مکه و مدینه است که بر سر راه حاجیان قرار دارد و به خاطر وجود برکه‌ای در این محل که در آن آب باران جمع می‌شده است، به این نام شهرت یافته است. غدیر در ۳-۴ کیلومتری جحفه واقع شده و جحفه در ۶۴ کیلومتری مکه قرار دارد که یکی از میقات‌های پنجگانه است. در جحفه راه اهالی مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا می‌شود. غدیر خم به سبب وجود آب و چندین درخت کهنسال، محل توقف و استراحت کاروانیان بود؛ اما گرمایی طاقت‌فرسا داشت.

از دیدگاه تاریخی

بنوشته سید حسین نصر هنگامی که محمد از آخرین حج خود در سال ۶۳۲ میلادی باز می‌گشت. خطابه‌ای در مورد علی ایراد نمود که توسط شیعه و سنی بسیار متفاوت تفسیر شده‌است. مطابق با روایت هر دو گروه محمد گفت که علی وارثش و برادرش و کسی است که هر کس پیامبر را به عنوان مولایش (رهبر یا دوست قابل اعتماد) بپذیرد (کلمه مولا مرتبط است با ولایت (با کسر واو) یا ولایت (با فتح واو) که حکومت، شروع مبادرت، غلبه معنوی و قدرت معنی می‌دهد). شیعیان این اظهارات را به معنی تعیین علی به جانشینی پیامبر و اولین امام می‌دانند.

اهل سنت تنها اظهار نزدیکی پیامبر به علی می‌دانند و اظهار خواسته‌اش که علی به عنوان پسرعمو و فرزند خوانده‌اش جانشین او در مسئولیت‌های خانوادگی پس از مرگ شود. بنظر می‌رسد که اولین تاریخ‌نگاری که واقعه غدیر خم را ثبت کرده‌است تاریخ نگار شیعه؛ یعقوبی در نیمه دوم قرن سوم هجری بوده‌است.

بگفته احمد کاظمی موسوی، استاد حقوق اسلامی، بسیاری از منابع اهل سنت واقعه غدیر خم را نقل کرده‌اند اما قائل به این موضوع نیستند که غدیر دلالت بر تعیین علی به عنوان جانشین سیاسی پیامبر مسلمانان داشته‌است. مجموعه جامعی از نقل قول‌ها و احادیث در مورد غدیر خم در سه کتاب اهل سنت وجود دارد. این سه اثر عبارتند از کتاب مؤسسه احمد بن حنبل، تاریخ مدینات دمشق ابن عساکر، و کتاب البداية و النهاية ابن کثیر.

نکته جالب در مورد غدیر خم این است که در خطبه^۴ منسوب به علی در نهج البلاغه که او در مورد برحق خود به عنوان جانشینی محمد ایراد نموده‌است، اشاره‌ای به این واقعه نیست. با این وجود از حدود قرن دوم هجری این واقعه از دلایل اصلی عنوان شده توسط شیعه برای برحق علی بر جانشینی محمد محسوب می‌شده‌است. اولین نمونه از اینگونه آثار ادبی که می‌توان تاریخی برای آن تعیین کرد هاشمیات کمیت بن زیاد اسدی مربوط به قرن دوم هجری/هشتم میلادی و کتاب سلیم بن قیس مربوط به قرن دوم هجری/هشتم میلادی است.

رخداد غدیر خم از دیدگاه شیعه

از آغاز ذی‌القعدة سال دهم هجری که آخرین سال زندگانی پیامبر بود، به همه مناطق مسلمان‌نشین و ایل‌ها و قبیله‌های مسلمان عربستان خبر داد که وی در این ماه به مکه معظمه خواهد رفت و حج به‌جای خواهد آورد و بدین‌ترتیب بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان شکل گرفت، که به

با پایان حج محمد به سرعت دستور حرکت جهت اجتماع در غدیر خم را دادند. حتی ۱۲۰۰۰ از اهل یمن - که برای رفتن به وطن خود باید راه دیگری را می‌رفتند - به دستور او با کاروان مسلمانان همراه شدند.

در میان راه مکه و مدینه در غدیر خم، آیه قرآن فرورستاده شد:

«ای پیامبر! آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده [به مردم] برسان. اگر این کار را نکنی، رسالت الهی را به انجام نرسانده‌ای و خداوند از مردم نگاهت خواهد داشت.»

در پی نزول این آیه، پیامبر دستور داد همه کاروانیان در آن محل گرد هم آیند، و در همان‌جا پیامبر خطابه طولانی غدیر را ایراد کرد.

برخی بخش‌های این سخنرانی- که به گفته شیعیان در معرفی مقام علی است - چنین است:

ای مردم! بدانید که خداوند علی را ولی و امام شما قرار داده و اطاعت او را بر مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کنند، و بر شهری و روستایی و عجم و عرب و آزاد و مملوک و بزرگ و کوچک و سفید و سیاه واجب کرده‌است. آگاه باشید که «امیر المؤمنین» غیر از این برادر من کسی نیست و پیشوایی مؤمنان پس از من بر کسی جز او روا نخواهد بود. او جانشین من در امتم و پیشوای کسانی است که به من ایمان آورده‌اند و نیز جانشین من در تفسیر کتاب خدا است. خداوند دین شما را به واسطه امامت او کامل گردانید. به دستورات او گوش فرا دهید تا در سلامت بمانید و از او پیروی کنید تا هدایت شوید. ای مردم! من «صراط مستقیم» ام، که خداوند شما را به پیروی آن امر فرموده‌است. آنگاه پس از من، علی و پس از او، فرزندانم از نسل او، من [از جانب خداوند] دستور یافته‌ام که از شما درباره آنچه که از سوی خداوند درباره علی امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او آوردم، بیعت بگیرم و دست شما را بفشارم. خداوند به من دستور داده که از زبان‌های شما در مورد آنچه بیان نمودم - راجع به علی امیرالمؤمنین و امامانی که پس از او می‌آیند و از من و از اویند، اقرار زبانی بگیرم و چنان که خبرتان دادم، نسل من از صلب علی است. همگی بگویید: شنیدیم و اطاعت می‌کنیم و خرسندانه - در مقابل آن چه از سوی پروردگار ما و خویش درباره امامت علی امیرالمؤمنین و امامانی که از صلب او به دنیا می‌آیند، به ما رساندی - سر تسلیم فرود می‌آوریم. بر این باور

زنده‌ایم و با آن می‌میریم و با آن [در قیامت] محشور می‌شویم. تغییر نمی‌دهیم و تبدیل و انکار نمی‌کنیم، تردید به دل راه نمی‌دهیم و از این باور بر نمی‌گردیم و پیمان نمی‌شکنیم.

پس از پایان خطابه، این آیه بر پیامبر فرو فرستاده شد:

امروز کافران از دین شما ناامید شدند. پس از آنان نهراسید و از من (پروردگار) بترسید. امروز دینتان را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام داشتم و اسلام را به‌عنوان دینتان پسندیدم.**

مراسم بیعت مسلمانان با پیامبر و علی علیه السلام سه روز طول کشید و حتی بانوان با قراردادن دست خود در ظرف بزرگ آبی که در سوی دیگر آن در درون خیمه، دست علی قرار داشت، بیعت خود را اعلام می‌کردند.

در دیدگاه شیعه، منافقین که گروه قابل‌توجهی را تشکیل می‌دادند، در ماجرای غدیر و به اراده الهی، نتوانستند نیت خود را آشکار و عملی کنند؛ اما در میان جمعیت شبه‌افکنی‌هایی نسبت به اقدام پیامبر انجام می‌دادند و شخصی به نام «حارث فہری» را تحریک کردند تا نزد رسول بیاید و برخلاف همه تصریحات حضرت در ضمن خطبه، سؤال کند که آیا آن چه درباره علی بن ابی طالب گفتم از جانب پروردگار بود یا از جانب خود؟ پیامبر در پاسخ فرمودند: «خداوند به من وحی کرده است و واسطه میان من و خدا جبرئیل است و من اعلام‌کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگارم، خبری را اعلام نمی‌کنم.